

بررسی راهکارهای مناسب جهت تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط دانش بنیان

دکتر سید حبیب اله میرغفوری^۱

امین میرزایی^۲

مهدی فلاحی^۳

چکیده

امروزه صنایع کوچک و متوسط دانش بنیان نقش بسزایی در تحریک و تشویق کارآفرینی و رشد و شکوفایی اقتصادی کشورها ایفا می کنند. توانایی بنگاه های کوچک و متوسط وابستگی زیادی به پتانسیل سرمایه گذاری و تأمین مالی دارد. مشکل تأمین مالی موضوع اساسی و چالش جدی بخش خصوصی است و براساس تمامی گزارشات موجود، این مساله مهمترین مشکل بنگاه های اقتصادی محسوب می شود. شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان نیز به گونه ای است که لزوماً توجه به حل مشکلات و تنگناها در حال و آینده را طلب می کند. ترکیب جمعیتی جوان کشور، ضرورت ایجاد فرصت های شغلی و نیز نیاز به درآمدزایی از طریق فعالیت های غیر نفتی از عواملی هستند که سیاست گذاران را به فکر ایجاد صنایع کوچک و متوسط انداخته است. بنابراین نیاز به بررسی بنیادی این مشکلات و ارائه راهکار برای آنها بیش از پیش احساس می شود. هدف اصلی این مقاله بررسی روش های تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط و بیان مشکلاتی است که در راه تأمین مالی این بنگاه ها وجود دارد. اهداف فرعی این تحقیق را می توان معرفی صنایع کوچک و متوسط، نقش نهادهای مالی در تأمین مالی این بنگاه ها و معرفی ابزارهای تأمین مالی دانست که این بنگاه ها مورد استفاده قرار می دهند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است، روش تحقیق مورد استفاده تحقیقی - توصیفی است و به منظور گردآوری اطلاعات از روش هایی شامل مطالعات کتابخانه ای، مقالات و پایان نامه ها استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد جهت سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی صنایع کوچک و متوسط می توان از روش های مختلفی استفاده کرد که هر کدام از این روش ها دارای مزایا و معایبی می باشد که کارآفرینان باید با توجه به این مزایا و معایب بهترین روش را در دوره ی عمر بنگاه انتخاب کنند.

کلید واژگان: تأمین مالی، صنایع کوچک و متوسط دانش بنیان، سرمایه گذاری مخاطره پذیر

Review strategies for financing of knowledge based small and medium industries

Dr. Seyed Habib Allah MirGhafoori

Amin Mirzaei

Mehdi fallahi

^۱. عضو هیئت علمی دانشکده ی اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد، ۰۹۱۳۲۷۲۲۳۱۱ (mirghafoori@yazduni.ac.ir)

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده ی اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد، ۰۹۱۳۲۷۲۲۳۱۱ (نویسنده مسئول، nima28_am@yahoo.com)

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشکده ی اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد، ۰۹۳۷۱۰۰۲۱۷۱ (mahdi.69fallahi@gmail.com)

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

Abstract

Today, small and medium industries play a role in stimulating entrepreneurial growth and economic prosperity of play. The ability of small and medium firms to potential investors and financing is dependent. The basic problem finance issues and challenge the private sector. According to all reports, this is one of the most important of problem in businesses. Economic conditions, as well as our social and cultural problems and bottlenecks that need attention now and in the future will require. The combination of our nation and our young people need for revenue from non-oil activities are factors that cause policy makers to think small and medium industries. Thus the need for a fundamental review of the problem and provide a solution for them is felt more than ever. The main purpose of this paper is methods of financing small and medium industries and speech problems that exist in firms' funding. Secondary objectives of this study can be introduced in small and medium industries, the role of financial institutions in the financing of these enterprises and the introduction of financial instruments. The purpose of this research standpoint, is applied and Research methods used in is research – descriptive and data collection methods include a library of studies, articles and dissertations. All results show that the investment and financing for small and medium industries can be used in various ways, each of these methods has advantages and disadvantages with regard to the advantages and disadvantages entrepreneurs need to choose the best method in the firm's life cycle.

Keywords: financing, small and medium industries, venture capital

۱. مقدمه

امروزه در اکثر کشور های جهان صنایع کوچک و متوسط از جنبه های مختلف اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی هستند و در بسیاری از کشور ها این صنایع تأمین کننده ی اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری های جدید هستند. در یک اقتصاد دانش محور، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال متناسب با ظرفیت نوآوری تحقق می یابد؛ بدین معنی که دستاوردهای ناشی از طرح های پژوهشی باید به طور پیوسته از طریق سرمایه گذاری به محصول، فرآیند و یا سیستم های نوین تبدیل گردد. دسترسی به ظرفیت های سرمایه گذاری برای کارآفرینان و پژوهشگران عامل مهمی در ایجاد نوآوری و بهره برداری از توان فناوری در اقتصاد ملی است. توسعه در اقتصاد نوین، خواهان جریان ثابت سرمایه است. از آنجا که نتیجه فعالیت های مبتکرانه و نوآورانه تا حدی نامطمئن است، مؤسسات اعتبار دهنده و بانک ها اغلب رغبت کمی به سرمایه گذاری در فعالیت های نوآورانه شرکت های نوپا نشان می دهند. (بیگدلو، ۱۳۸۳)

در نظام توسعه و ارتقاء صنایع کوچک و متوسط در راستای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی، نهادها و مراجع متعددی درگیر می شوند. حضور به موقع و فعال هر یک از این نهادها و سازوکار منسجم و یکپارچه ای که تلاش های صورت گرفته را به یکدیگر مرتبط و هماهنگ نماید، امری لازم و ضروری است. به رغم عدم وجود متولی مشخصی که شرکت های کوچک و متوسط متقاضی بتوانند جهت رفع موانع تأمین مالی به آن مراجعه نمایند، در حال حاضر، فعالیت های چشمگیری در جهت کمک به شرکت های کوچک و متوسط صورت می پذیرد. از جمله گروه های فعال در مقوله ارائه مشاوره و تأمین مالی شرکت های کوچک و متوسط، می توان به مراکز رشد و پارک های فناوری، سرمایه گذاران مخاطره پذیر، سازمان ها و ابزارهای تأمین مالی، بنگاه های دانش بنیان، صندوق های حمایتی و ... اشاره داشت که هر یک به نحوی از انحاء و در مراحل مختلف چرخه حیات شرکت های کوچک و متوسط حضور می یابند. موتور محرک پیشرفت های فناوری، ایده های خلاقانه ای است که در ذهن

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

مبتکران و مخترعان شکل می گیرد و با پیگیری جدی کارآفرینان در قالب کسب و کاری جدید به بار می نشیند. اما اغلب این کارآفرینان، مهندسان جوان و خوش فکری هستند که فاقد دو عامل اصلی موفقیت در بازار رقابتی یعنی دانش و تجربه مدیریتی و منابع مالی کافی می باشند. لذا بسیاری از تلاش ها برای راه اندازی کسب و کارهای جدید به همین دلیل با شکست مواجه می شوند. کلید حل این مشکل در دست سرمایه گذارانی است که با تکیه بر شرم فوق العاده خود و با تقبل مخاطرات محاسبه شده، فعالانه با کارآفرینان همراه شده و با هدف کسب سود فراوان، نقاط ضعف آنها را پوشش می دهند. با توجه به این موضوع به راحتی می توان به جایگاه مهم و راهبردی این افراد که اصطلاحاً سرمایه گذاران مخاطره پذیر نامیده می شوند، در اقتصاد و تسریع روند توسعه فناوری کشورها پی برد. به همین جهت در طول زمان، صنعت سرمایه گذاری مخاطره پذیر در کشورهای توسعه یافته شکل گرفته و به یکی از زنجیره های اصلی سیستم ملی نوآوری آنها تبدیل شده است (اسدی کرم، ۱۳۸۵).

سرمایه گذاری مخاطره پذیر شکل فعالی از سرمایه گذاری است که به دلیل نقش آن در ارتقاء رشد و حفظ ثبات مالی مورد تحسین قرار گرفته است. بدلیل اینکه روش مشارکت منجر به رشد و حفظ ثبات مالی بنگاه اقتصادی می شود، روش مناسبی برای سرمایه گذاری بر پایه سود دهی می باشد. زمانی که تأمین مالی یک کسب و کار مطرح می شود، بطور سنتی از بانک ها یاد می شود؛ درحالی که بانک ها معمولاً تمایلی به سرمایه گذاری مخاطره پذیر ندارند. بر خلاف سرمایه گذاری که بر پایه کسب درآمد ثابت می باشد، سرمایه گذاری مخاطره پذیر، سرمایه گذار را وادار به ایفاء نقش فعال در هیأت مدیره می نماید و طی کل دوره سرمایه گذاری، سرمایه گذار غیر از حمایت مالی، حمایت مدیریتی و بازاریابی نیز دارد. (Lerner & Gompers 2000) همه سود و زیان حاصل از کار بر اساس نسبت از پیش تعیین شده تقسیم می شود. صندوق های سرمایه گذاری مخاطره پذیر یکی از نهادها و اجزای مهم سیستم ملی نوآوری هستند؛ چون برای این صندوق ها (برخلاف بسیاری از اجزای سیستم که دارای کارکردی واحدند) می توان نقش ها یا کارکردهای مختلفی را در نظر گرفت. از یک سو، این صندوق ها به تأمین مالی تحقیقات و نوآوری (در قالب سرمایه گذاری در شرکت های نوپا و فناوری محور) می پردازند که در چارچوب دومین کارکرد سیستم نوآوری است و از سوی دیگر، این صندوق ها مشاوره و کمک های مدیریتی به کارآفرینان (افزون بر تأمین مالی آنان) ارائه می دهند و در مدیریت شرکت های سرمایه پذیر نقش فعالی دارند. این صندوق ها معمولاً، دارای کارشناسانی حرفه ای و مجرب در زمینه مدیریت کسب و کار و کارآفرینی هستند که می توانند تجربه و تخصص خود را (همراه با پشتیبانی مالی) در اختیار کارآفرینان جوان و فاقد تجربه تجاری قرار دهند. (خلیلی، ۱۳۸۵)

بنابراین، سرمایه گذاری مخاطره پذیر دو نقش یا کارکرد اصلی دارد: تأمین مالی و ارتقای کارآفرینی در سیستم ملی نوآوری. تأمین منابع مالی صنایع کوچک و تازه تأسیس به ویژه صناعی که مبتنی بر فن آوری می باشند، در زمینه توسعه فناوری، از طریق ساز و کارهای مختلفی ممکن است که از آن میان، صندوق های سرمایه گذاری مخاطره پذیر اهمیت فوق العاده ای دارند، زیرا به سبب خطر ذاتی نهفته در طرح های نوآورانه و ماهیت سرمایه گذاری بلند مدت در این گونه فعالیت ها، ساز و کارهای مالی و اعتباری متداول برای تأمین مالی آن ها مناسب نیستند. (دباغیان، استیری، ۱۳۸۵)

۲. ضرورت توسعه ی صنایع کوچک و متوسط دانش بنیان

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

پدیده جهانی شدن و لزوم ایجاد تحرک، انعطاف پذیری و سرعت در تصمیمگیری در مناسبات تجاری و اقتصادی جایگاه ویژه ای برای صنایع کوچک و متوسط در سطح جهان فراهم ساخته است. وجود چالش های محیطی و تغییر در فرایندهای مدیریتی نیز نقش این صنایع را برجسته تر ساخته است و سیاست های کوچک سازی، برون سپاری فعالیت ها، تجدید ساختار، مهندسی مجدد و به ویژه ترغیب کارآفرینی در عصر جهانی شدن، سرعت بخشیدن به ایجاد صنایع کوچک و متوسط را نهادینه ساخته است (Judite, 2001). از طرف دیگر مستندات چشم انداز جمهوری اسلامی ایران به اهمیت صنایع کوچک و متوسط اشاره دارد. توجه به بنگاه های کوچک و متوسط که بیشتر از طریق فعالیت های کارآفرینانه موجودیت خود را بدست آورده اند از جهات مختلف حائز اهمیتند که عبارتند از: حفظ اشتغال های موجود، ایجاد اشتغال های جدید، بازدهی سریع و نیاز به منابع کم برای سرمایه گذاری. اهمیت کارکرد فعالیت های فوق زمانی مهمتر می نماید که معضل بیکاری در کشورها را به آن افزود. مشکل بیکاری هم اکنون یکی از مشکلات مهم کلیه جوامع در حال توسعه از جمله ایران است که می توان با توجه و اهمیت دادن به ایجاد بنگاه های کوچک و متوسط این مشکلات را برطرف کرده و ضمن کمک به اشتغال، باعث رشد و شکوفایی اقتصادی کشور شد. لذا ضروری است بسترهای لازم برای دسترسی کارآفرینان پژوهشگر به ظرفیتهای سرمایه گذاری که تا حدی نامطمئن است (اما عامل مهمی در ایجاد نوآوری و بهره برداری از توان فناوری در اقتصاد ملی است)، فراهم گردد. اما به علت ریسک سرمایه گذاری در این حوزه، موسسات مالی و بانک ها اغلب رغبت کمی به سرمایه گذاری در این فعالیتهای خطر پذیر نشان میدهند. بنابراین، طراحی یک سیستم تامین منابع مالی و سرمایه گذاری ویژه این نوع طرحها بخصوص در مرحله ورود به بازار و رشد، حائز اهمیت است (Davis&Cull, 2006).

۳. تعریف صنایع کوچک و متوسط

صنایع کوچک و متوسط را می توان شرکت هایی مستقل دانست که تعداد کارکنان آن از مقدار خاصی تجاوز نکند. این مقدار مشخص در کشورهای متفاوت، ثابت نبوده و با توجه به مشخصه های آن کشور خاص، تغییر می کند. رایج ترین تعریف برای اینگونه شرکت ها، شرکت هایی است که کارکنان آن از 250 نفر تجاوز نکند (تعریف رایج در اتحادیه اروپا). از دیگر معیارهای تعریف صنایع کوچک و متوسط، استفاده از دارایی های مالی این شرکت هاست. واحدهای اقتصادی در مقیاس متوسط و کوچک از لحاظ دسته بندی، در گروهی بسیار ناهمگن قرار می گیرند. این گروه گستره وسیعی از مؤسسات (مانند سازندگان صنایع دستی روستایی، کارگروه های ماشینی کوچک، رستوران ها، مؤسسات نرم افزاری و...) را در بر می گیرد که دامنه وسیعی از مهارت ها و هنرها را ارائه می دهند و در بازارها و محیط اجتماعی مختلفی فعالیت می کنند. برخی از این واحدها پویا، مبتکر و رو به رشد و برخی دیگر به شیوه سنتی فعالیت می کنند و به کوچک ماندن خود قانع اند. در مقابل صنایع کوچک و متوسط معمولاً به صورت رسمی در صحنه اقتصاد فعالیت دارند، دارای کارگران حقوق بگیر بوده و حضور کامل تری در بازارهای سازمان یافته نشان می دهند. دستیابی آنها به اعتبارات مالی رسمی امکان پذیر است و در مقایسه با واحدهای بسیار کوچک این واحدهای اقتصادی بخت و اقبال بیشتری برای رشد و رقابت در بازارهای خانگی و بین المللی دارند (Karjalainen&Kempainen, 2007).

۴. تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد کشور ها نقش انکارناپذیری ایفا می کنند. صنایع کوچک و متوسط تمایل دارند نرخ رشد بالایی را نسبت به سازمان های بزرگ داشته باشند، اما در این مورد چندان موفق نیستند. بزرگترین مانع بر سر راه صنایع کوچک و متوسط عدم دسترسی به منابع کافی است (Karjalainen&Kemppainen, 2007). این صنایع نیروی کار بالایی را جذب کرده و قسمت بزرگی از بخش خصوصی را تشکیل می دهند. مؤسسات کوچک و متوسط زمینه جذب و تقویت استعداد کارآفرینی را فراهم می کنند و در مقابل، گسترش کارآفرینی نیز نقش حیاتی در بهبود و رقابتی کردن کسب و کارهای کوچک ایفا می نماید. یکی از موثرترین راهکارهای مبارزه با افزایش نرخ بیکاری توسعه و حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و همچنین کمک به آنان برای موفقیت و تداوم حیات در دوران آسیب پذیر آغازین فعالیت است. همچنین، کسب و کارهایی که در مرحله رشد سریع هستند، اغلب به کمک های مالی فراتر از دسترس، نیازمند هستند. (Bernroider, 2002) با وجود اینکه این مسئله نشان دهنده سلامت و فرصت های درخشان آینده یک شرکت است، با این حال یافتن سرمایه گذاران بیرونی برای یک شرکت نوپا دشوار است. به گونه ای که دستیابی به وجوه مورد نیاز برای راه اندازی کسب و کارها، همواره به عنوان یک چالش جدی برای کارآفرینان مطرح بوده است.

کارآفرینان موفق باید مهارت به دست آوردن وجوه مورد نیاز را داشته باشند. با عنایت به اینکه هر یک از مراحل چرخه حیات شرکت، به لحاظ سطح ریسک و بازدهی، ویژگی خاصی دارد لذا تأمین مالی هر یک از مراحل منحصر به فرد است. اندازه شرکت های نوآور، میزان دستیابی به منابع مالی خارج از این شرکت ها را تعیین می کنند. صنایع کوچک و متوسط در زمینه اموری چون: توسعه، مدیریت، تأمین مالی و کاربرد نوآوری و تکنولوژی ضعیف می باشند. بدون تأمین مالی کافی، کسب و کارهای کوچک هرگز به موفقیت نخواهند رسید. کمبود سرمایه گذاری عامل اصلی شکست بسیاری از کسب و کارها است. با این وجود، به دلیل نرخ بالای مرگ و میر کسب و کارهای کوچک نوپا، مؤسسات مالی تمایل چندانی به ارائه تسهیلات یا سرمایه گذاری در طرح های جدید، ندارند. فقدان سرمایه کافی برای آغاز به کار، کسب و کار جدید را بر یک شالوده مالی ضعیف رها می سازد که به نوبه خود آن را مستعد شکست خواهد نمود. منابع تأمین مالی گوناگونی پیش پای کارآفرینان قرار دارند که هر یک مزایا و معایب خود را داراست. در ادامه، پیش از کاوش در مورد تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط، به تشریح فرآیند توسعه این بنگاه ها می پردازیم (Beck& Demirguc,2006).

۵. چرخه حیات کسب و کارهای کوچک و متوسط

مراحل فرآیند توسعه صنایع کوچک و متوسط عبارتند از:

- ۱- بذریه یا مفهوم
- ۲- راه اندازی
- ۳- مرحله اول
- ۴- مرحله دوم
- ۵- مرحله سوم

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

۶- مرحله برداشت.

در زیر به طور خلاصه به تشریح مراحل فوق می پردازیم.

۵-۱. مرحله بذریه یا مفهوم

این مرحله، مرحله اختراع است. در این مرحله تنها یک ایده یا مفهوم وجود دارد، نه تیم دانش بنیانی و نه الگوی مقدماتی، هیچ چیز به جزء یک ایده یا مفهوم وجود ندارد. در این مرحله هیچ برنامه زمان بندی و یا تحقیقات بازاری انجام نشده است و مؤسسين ممکن است تکنسین ها و متخصصین باشند. جهت توسعه الگوی مقدماتی در این مرحله لازم است که مدیریت کلیدی، طرح کسب و کار، ارزیابی بازار بالقوه، ساختار سازمان و وضعیت مالکیت مشخص گردد. شرکت های سرمایه گذاری مخاطره پذیر سنتی اغلب تمایلی به سرمایه گذاری در این مرحله نشان نمی دهند. در این مرحله ریسک بسیار زیاد است و زمان برداشت سود از شرکت در حاله ای از ابهام قرار دارد. در این مرحله می توان از ذخایر شخصی و منابع مالی دوستان و خانواده استفاده کرد. مرحله بذریه و مفهوم با طرح کسب و کار آغاز و با شکل گیری شرکت پایان می یابد.

۵-۲. مرحله راه اندازی

در این مرحله حداقل یک نفر به صورت تمام وقت پروژه را دنبال می کند. در این مرحله الگوی اولیه توسعه می یابد، طرح کسب و کار شکلی عملیاتی تر به خود می گیرد، تیم مدیریت مشخص می شود، تحلیل بازار انجام می گیرد و مشتریان اولیه شناسایی می شوند. در این مرحله، تأمین مالی از منابع رسمی تری محقق می گردد. در صورتی که تیم مدیریت ارشد مشخص شده باشد و حق امتیاز و قابلیت ثبت و عرضه به بازار را داشته باشد، ممکن است در این مرحله شرکت های سرمایه گذاری مخاطره پذیر سنتی به سرمایه گذاری در این شرکت ها علاقه نشان دهند.

۵-۲-۱. مرحله نخست

اکنون شرکت به یک کسب و کار موفق تبدیل شده است. قابلیت عرضه محصول، اثبات شده و شرکت از فروش محصولات درآمد کسب می کند. در این مرحله شرکتهای سرمایه گذاری مخاطره پذیر سنتی به سرمایه گذاری علاقه نشان می دهند. در حقیقت در این مرحله، جهت حمایت از مفاهیم محصول و تلاشهای بازاریابی آن به تأمین مالی نیاز بیشتری وجود دارد.

۵-۲-۲. مرحله دوم

در مرحله دوم، فروش محصولات یا خدمات، در جهت افزایش دارایی و جبران دیون شرکت نقش مهمی دارد. در این مرحله شرکت به نقطه سربه سر رسیده و مدیریت جریان های نقدی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این مرحله سرمایه گذاران مخاطره پذیر حرفه ای تر، در تأمین مالی مشارکت می کنند و سرمایه گذاران و مؤسسين، برنامه هایی برای برداشت تهیه می کنند.

۵-۲-۳. مرحله سوم

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

تمامی سیستم ها در این مرحله در حال اجرا و فعالیت هستند و علائم موفقیت ظاهر شده است. در این مرحله تمامی اعمال از طراحی تا توسعه محصولات نسل دوم در حال انجام شدن است، مدیریت بازاریابی و توزیع و ... همگی به صورت سیستمی اداره می شوند. در این مرحله سود بهبود می یابد و ترانزنامه تثبیت می شود، شرکت سهم بازار قابل توجهی به دست آورده و شدیداً در بازار نفوذ می کند.

۴-۲-۵. مرحله چهارم

این مرحله، آخرین مرحله شکل گیری و توسعه شرکت های دانش بنیان است. در این مرحله شرکت با گزینه هایی مانند عرضه عمومی، اکتساب، فروش و یا ادغام مواجه است. آن چه به صورت یک ایده و مفهوم آغاز شده بود، به یک واقعیت تبدیل شده است. با فهم این مراحل متفاوت می توان شیوه های متفاوت تأمین مالی را برای شرکت تجویز کرد.

۶. راهکارهای سرمایه گذاری و تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط

هریک از مراحل چرخه حیات شرکت، به لحاظ سطح ریسک و بازدهی ویژگی خاصی دارد. لذا تأمین مالی هر یک از مراحل با مراحل دیگر متفاوت است. یکی از شاخصه های دستیابی شرکت ها به منابع خارجی اندازه شرکت می باشد. طیف گسترده ای از منابع تأمین مالی در دسترس کارآفرینان قرار دارد و روش های گوناگونی برای طبقه بندی آن ها پیشنهاد شده است. در یک طبقه بندی از این منابع، دیکینز و فریل منابع تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط را به دو دسته درونی و برونی بخش بندی کرده است. کاردلو منابع مالی مرتبط با کارآفرینی را به دو دسته تقسیم کرده است: منابع رسمی و منابع غیر رسمی (اسلامی و بیگدلو، ۱۳۸۴). در پژوهشی که آقایان اسلامی و بیگدلو در سال ۱۳۸۴ انجام دادند، منابع تأمین مالی کارآفرینان را به چهار دسته تقسیم کردند. که عبارت است از: منابع خصوصی تأمین مالی، تأمین مالی از طریق بدهی یا استقراض، تأمین مالی از طریق سرمایه و روش های داخلی تأمین مالی

۱-۶. منابع خصوصی تأمین مالی

اولین منبعی که کارآفرینان جهت تأمین وجوه مورد نیاز برای راه اندازی کسب و کارهایشان به آن رجوع می کنند، منابع خصوصی است. این منابع عبارتند از: منابع شخصی (پس اندازهای شخصی) و منابع دوستان و بستگان.

۲-۶. تأمین مالی از طریق بدهی (استقراض)

تأمین مالی از طریق بدهی شامل وجوهی است که مالکان کسب و کارهای کوچک، قرض نموده اند و باید همراه بهره مربوطه بازپرداخت کنند. اگرچه روش تأمین مالی از طریق بدهی، این امکان را برای کارآفرین به وجود می آورد که مالکیت کامل شرکت را در اختیار داشته باشد، با این حال او باید تعهد بازپرداخت بدهی ایجاد شده در ترانزنامه را پذیرا شده و آن مبلغ به همراه بهره متعلقه، در دوره های آتی بازپرداخت نماید. به علاوه از آنجا که معمولاً این گونه پنداشته می شود که کسب و کارهای کوچک ریسک بیشتری را به همراه دارند، بنابراین نرخ بهره بیشتری را نیز باید پرداخت کنند. با این وجود بر خلاف

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام، تأمین مالی از طریق بدهی باعث نمی شود که کارآفرینان مالکیت و توان تصمیم گیری خود را در شرکت از دست بدهند. عمده منابع تأمین مالی از طریق بدهی عبارتند از: بانک های تجاری، قرض دهندگان مبتنی بر دارایی، اعتبار تجاری، عرضه کنندگان تجهیزات، شرکت های تأمین مالی تجاری، مؤسسات وام و پس انداز، کارگزاری ها، شرکت های بیمه، اتحادیه های اعتباری، اوراق قرضه، عرضه خصوصی و کمک های دولتی

۳-۶. تأمین مالی از طریق سرمایه (حقوق صاحبان سهام)

اتکاء بیش از اندازه بر بدهی بانکی برای تأمین مالی راه اندازی یا رشد و توسعه یک شرکت، ممکن است مسائل زیادی را به وجود آورد. سرمایه به دست آمده از محل بدهی، سرمایه صبور و شکیبایی نیست و مدت زمان وام های آن به ندرت از 3 تا 5 سال فراتر می رود. افزون بر آن، و شاید مهم تر، تأمین سرمایه از طریق بدهی، کارآفرین را ملزم به باز پرداخت های دوره ای بهره وام و پرداخت نهایی اصل وام می نماید. این عامل باعث می شود هنگام افت فروش و دیگر فشارهایی که بر روی سودآوری و به ویژه بر روی جریان نقدی وارد می شود، شرکت در معرض تهدید قرار بگیرد. در تأمین مالی سرمایه ای، سرمایه گذار، در زمره مالکان شرکت قرار می گیرد. این روش ضمن این که ریسک را تقسیم می کند، عایدات بالقوه آن را هم تقسیم می کند. شاید مهم ترین مزیت تأمین سرمایه از طریق سهام این است که نباید همانند یک وام بازپرداخت شود (اسلامی و بیگدلو، ۱۳۸۴)

۴-۶. روش های داخلی تأمین مالی

مالکان کسب و کارهای کوچک برای دستیابی به سرمایه مورد نیاز نمی توانند تنها به مؤسسات تأمین مالی خارج از سازمان متکی باشند. بلکه یک کسب و کار به نوبه خود تا حدی، ظرفیت ایجاد سرمایه را دارا است. این روش ها مواردی از قبیل: حساب های دریافتی، اجاره یا اجاره به شرط تملیک، کارت های اعتباری و سود انباشته را در برمی گیرد. علاوه بر این موارد، یک کسب و کار کوچک می تواند نیازمندی های سرمایه خود را با صرفه جویی در هزینه های ممکن به حداقل برساند (اسلامی و بیگدلو، ۱۳۸۴)

یکی دیگر از روش های تأمین مالی بنگاههای کوچک و متوسط به ویژه در مرحله ورود به بازار، سرمایه گذاری خطرپذیر است و این تجربه کشورهای پیشرفته نیز می باشد.

۵-۶. سرمایه گذاری مخاطره پذیر

بررسی های انجام شده حاکی از آن است که یکی از مهمترین منابع تأمین مالی شرکت های کوچک و متوسط از طریق سرمایه گذاران مخاطره پذیر فراهم می شود. لذا با توجه به اهمیت نقش سرمایه گذاران مخاطره پذیر لازم است تا حدودی به آرایه مفاهیم این گونه سرمایه گذاری پرداخته شود. وجهی که معمولاً در یک کسب و کار جدید در حال رشد مخاطره پذیر، توسط سرمایه گذاران خارج از شرکت، سرمایه گذاری می شود، سرمایه گذاری مخاطره پذیر نامیده می شود.

سرمایه گذاری مخاطره پذیر با پذیرش ریسک بالایی همراه است، ولی متناسب با آن، انتظار بازدهی بالاتر نیز وجود دارد. این بازده عموماً بالاتر از میانگین بازار است. شرکت ها و صندوق های سرمایه گذاری مخاطره پذیر یک نوع ابزار یا واسطه مالی

بایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

هستند که وجوه جمع شده از سوی سرمایه گذاران خرد را در این گونه کسب و کارها سرمایه گذاری می کنند. سرمایه گذاران مخاطره پذیر غالباً در شرکت هایی سرمایه گذاری می کنند که هنوز هیچ گونه درآمدی را ایجاد نکرده اند و محصولی را در جریان تولید ندارند و البته از یک تیم مدیریتی کامل و با تجربه نیز بهره مند نیستند. (Lerner & Kortum, 2000)

سرمایه گذاری مخاطره پذیر پل ارتباطی میان سطوح سرمایه تأمین شده از سوی بنیان گذار، خویشاوندان و دوستان، و سرمایه گذاران شخصی و از سوی دیگر مبالغ فراوان مورد نیاز برای قرار گرفتن در فهرست بورس اوراق بهادار و جذب سرمایه گذاران نهادی است که در حجم بالا معامله می کنند. جدول (۱) الگوی مرحله ای تأمین مالی شرکت های کوچک و بزرگ را نشان می دهد (اسلامی و بیگدلو، ۱۳۸۴).

جدول ۱. الگوی مراحل تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط

بلوغ	رشد	جوانی	بذرپاشی
بازار سهام			
سرمایه گذاران نهادی			
سود انباشته			
سرمایه گذاری مخاطره پذیر			
بانک ها			
سرمایه گذاران غیر رسمی			
خویشاوندان و دوستان			
سرمایه شخصی			

۶-۵-۲. نقش بنگاه های سرمایه گذاری مخاطره پذیر

شماری از نقش های مهم شرکت های سرمایه گذاری مخاطره پذیر بدین گونه است:

- شناسایی ایده ها، ابداعات و نوآوری ها و تأمین مالی آن ها.
- فراهم کردن سرمایه مورد نیاز برای بنگاه هایی که در مرحله اولیه توسعه (راه اندازی) قرار دارند.
- حمایت از کارآفرینان به صورت: مشاوره، برقراری ارتباط با مشتریان، تحکیم موفقیت شرکت ها و تأمین سرمایه.
- در جستجوی ارزش آفرینی و بازده بالاتر، از طریق: تصاحب و ادغام شرکت ها و تدوین راهبرد.

همایش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

تأمین منابع از طریق شراکت های با مسئولیت محدود همانند: صندوق های بازنشستگی، شرکت های بیمه و صندوق موجودی دانشگاه ها .

۷. بحث و نتیجه گیری

صنایع کوچک و متوسط در رشد اقتصاد و اشتغال زایی نقش اساسی ایفا می کنند و در کشور های صنعتی نیز روز به روز بر اهمیت آنها افزوده می شود. بخش مهمی از اقتصاد کشورهای توسعه یافته بر اساس بنگاههای کوچک و متوسط بنا شده است، به نحوی که حجم وسیعی از فعالیتها در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته را بنگاههای کوچک و متوسط تشکیل می دهد. از طرف دیگر باید به این نکته توجه داشت که اکثر بنگاه های کوچک و متوسط توسط کارآفرینانی ایجاد می شوند که منابع مالی و سرمایه کافی جهت راه اندازی و ادامه فعالیت خود ندارند لذا برای سرمایه گذاری در این صنایع باید از روش های مختلف تأمین مالی استفاده کرد. این روش ها عبارتند از: تأمین مالی از طریق بدهی و قرض، منابع خصوصی تأمین مالی، منابع داخلی تأمین مالی، منابع تأمین مالی از طریق سرمایه و در نهایت استفاده از سرمایه گذاری مخاطره پذیر. در این مقاله ضمن آشنایی با ویژگی های صنایع کوچک و متوسط، با شیوه های تأمین مالی اینگونه صنایع آشنا شده و مروری اجمالی بر سرمایه گذاری خطر پذیر داشتیم.

۸. منابع

- بیگدلو، مهدی (۱۳۸۳)، «بررسی منابع گوناگون تأمین مالی کارآفرینان»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی صنعت سرمایه گذاری مخاطره پذیر، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- خلیلی عراقی، مریم (۱۳۸۵)، «تأمین مالی و حمایت دولت سرمایه گذاری خطر پذیر»، مجموعه مقالات دومین همایش سرمایه گذاری مخاطره پذیر، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- حسینی، رضا (۱۳۸۳)، «نقش بانک ها در برابر سرمایه گذاران مخاطره پذیر برای تأمین منابع سرمایه کارآفرینان»، بانک کشاورزی سال اول شماره چهارم،
- اسلامی بیدگلی، غلامرضا، بیگدلو، مهدی (۱۳۸۴)، «بررسی معیارهای موثر در ارزیابی کسب و کارهای مخاطره آمیز کارآفرینانه» دانش مدیریت، شماره ۶۸
- «مدل مشارکت در سرمایه گذاری خطر پذیر» دکتر سید حسین دباغیان، روح الله استیری، دومین همایش سرمایه گذاری خطر پذیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران،
- «مروری بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری مخاطره پذیر»، علیرضا اسدی کرم، دومین همایش سرمایه گذاری خطر پذیر، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
- ناصریخت جواد (۱۳۸۳)، بنگاه های کوچک و متوسط : شکل گیری، قابلیت ها و سیاست ها « فصلنامه صنایع، شماره ۳۳
- استیری، روح الله، مشیری، بنیامین (۱۳۸۷)، «ابزارهای تأمین مالی بنگاه های دانش بنیان» مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران

ہائش ملی
دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور
دانشگاه مازندران

Cull, Robert, Davis, Lance E., Lamoreaux, Naomi R., Rosenthal, Jean-Laurent (2006), Historical financing of small-and mediumsize enterprises, Journal of Banking & Finance.

Judite, Payne a. (2001), e-commerce readiness for Smes in developing countries: a cuede for development professionals, Acadey education development, USA.

Cull, Robert, Davis, Lance E., Lamoreaux, Naomi R., Rosenthal, Jean-Laurent (2006), Historical financing of small-and mediumsize enterprises, Journal of Banking & Finance.

Bernroider, Edward (2002), Factor in Swot Analysis Applied To Micro, Small-to- Medium and Large Software Enterprises: An Austrian Study, European Management Journal, Vol.20, No.5.

Karjalainen, K., Kemppainen, K.(2007), The involvement of small-and mediumized enterprises in public procurement: Impact of resource perceptions, electronic systems and enterprise size, Journal of Purchasing& supply management.

Beck, Thorsten, Demirguc-Kunt, Asli(2006), Small and medium-size enterprises: Access to finance as a growth constraint, Journal of Banking& Finance.

Kaivanto, Kim, Stoneman, Paul (2007), Public provision of sale contingent claims backed finance to SMEs: A policy alternative, Research Policy36.

Gompers P. and Lerner J. (2000), “The Venture Capital Revolution”, forthcoming, Journal of Economic Perspectives.

Kortum S. and Lerner J. (2000), “Assessing the contribution of Venture Capital to Innovation“, Boston University and Harvard University, Unpublished working paper.

Kenney et al, “The Venture Capital Industries of East Asia”, University of California , Berkely , 2002.

Jeng L. and Wells P. (2000), “The determinants of venture capital funding: evidence across countries”, Journal of Corporate Finance, 6, pp. 241-289